

# تریبون

## هشت مارس روز آزادیخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی!

۲۶ فوریه ۲۰۲۵ – ۸ اسفند ۱۴۰۳

### سازمان آزادی زن

در آستانه ۸ مارس، روز جهانی زن هستیم. در این روز یکبار دیگر بر تعهد خود به امر رفع ستمکشی جنسی و آزادی و برابری تاکید می‌گذاریم. در شرایط خطیر جهانی و در منطقه حائز اهمیت است که یک افق روشن و صریح آزادیخواهانه را در مقابل خود داشته باشیم. ۸ مارس روز مناسبی برای تاکید بر این افق است. ۸ مارس روز جنبش سوسیالیستی است. روزی است که توسط فعالین جنبش سوسیالیستی تعیین شد و در دنیا گسترش یافت. اگر سازمان ملل این روز را برگزید نه از روی برابری طلبی و رادیکالیسم بلکه با نیت آب ریختن در آن بود.

جنبش آزادی زن در ایران همزمان با حیات رژیم اسلامی متولد شد و در جامعه عمیقاً ریشه دوانده است. این جنبش طی چهل سال با افت و خیزها و فراز و نشیب‌ها مواجه بوده است. دوره

\* تراژدی اوکراین:

یک جنگ نیابتی، تاراج جانی و مالی

آذر ماجدی ..... ص ۴

\* میراث جنبش سوسیالیستی آزادی زن گرامی باد

سوسن لاری ..... ص ۹

\* برابری زن و مرد یک دنیای بهتر

منصور حکمت ..... ص ۱۲

\* لجام گسیختگی بربریت سرمایه داری

علیه پناهندگان و مهاجرین را باید در هم شکست!

جلیل بهروزی ..... ص ۱۵

\* تروریسم یا روان پریشی؟

روایت های دست ساز

حمله به مهاجرین در سوئد

آذر ماجدی ..... ص ۱۹

\* ناتو، روسیه، آمریکا و اروپا

سخنرانی جفری ساکس در پارلمان اروپا ... ص ۲۲

\* آیا ناتو موضوعیت دارد؟

مصاحبه با کریس هجز ..... ص ۲۶

شورای سردبیری:

هما ارجمند، جلیل بهروزی، سوسن لاری، آذر ماجدی

tribune890@gmail.com

سرنگون کند. تمام تقلاهای رژیم برای حمله به زنان بی حجاب و لایحه "حجاب و عفاف"، تلاشی مذبحخانه برای سرخ نگاه داشتن صورت است. جمهوری اسلامی در بد مخمصه ای گیر افتاده است، جنگ حجاب و آپارتاید جنسی را باخته است، اما این دو پدیده بیرق و هویت ایدئولوژیک آنست. پس همچون دون کیشوت جهاد حجاب را زنده نگاه می دارد.

از آنسوی، اپوزیسیون دست راستی، ناسیونال فاشیست ها و عناصر سناریوی رژیم پنج آمریکا و غرب می کوشند جنبش آزادی زن را رقیق و "هایجک" کنند. "زن" در این سناریو مقام شامخی یافته است. انواع و اقسام جایزه از حقوق بشر و نوبل نثار این مهره ها کرده اند. عکس های مانکن ماب شان در مجله های مُد و سیاست غربی بچاپ می رسد. در سال 57 اسلامی ها را از ترشی در آوردند و بعنوان رهبر به انقلاب مردم حفته کردند. این بار مهره های ملی-اسلامی و ناسیونال فاشیست را دارند بعنوان آلترناتیو به مردم می اندازند. "زن در برابر اسلام!" (و حتی سطحی تر بدن زن در برابر اسلام) روایت امروز است. یک روایت سطحی از مساله زن ساخته اند و با تبلیغات کر کننده مُد روز دارند به جامعه حفته می کنند؛ همانگونه که داعش و القاعده را گریم کردند، عبا و عمامه را با کت و شلوار ایو سن لوران معاوضه کردند و با یک جراحی پلاستیک در حکومت سوریه چپاند اند.

این روایت انحرافی است. تلاش برای ساختن تله دیگری است برای سقط کردن جنبش انقلابی آزادیخواهانه و برابری طلب

ای جنبش ملی اسلامی بمنظور ساکت کردن گرایش رادیکال آزادیخواه سرنگونی طلب، وسیعا به جنب و جوش افتاد و کوشید صحنه را بر بایند. خواست و شعار "دیه برابر برای زن و مرد" از شاهکار های این دوره بود؛ آش نذری پختن و سفره ابوالفضل پهن کردن و به دست بوس آخوندهای جنایتکار در مجلس رفتن، روش مبارزه شان و شیرین عبادی یکی از قهرمانانشان. افشایشان کردیم و بر تعمیق رادیکالیسم در جنبش آزادی زن پای فشرديم. نقش مان موثر بود.

در دور بعد این فعالین ملی اسلامی "حوضه زنان" به خارج عازم شدند. در کشورهای غربی جولان دادند و از این بنیاد و آن بنیاد جایزه و «کمک مالی» دریافت کردند. مواضع شان هنوز همان "اسلام با حقوق زن تناقض ندارد" بود فقط رفته رفته حجاب هایشان را به کلاه تبدیل کردند و بعد موهایشان را پریشان نمودند. (مسیح علینژاد یک نمونه معروف آن است.) ابزار ها با زمانه همراه می شوند! همراه با اوجگیری جنبش انقلابی علیه رژیم اسلامی این مهره ها از مدافعین خجول رژیم اسلامی به نیروهای "برانداز" پیوستند.

جنبش آزادی زن یک ستون محکم جنبش انقلابی ضد جمهوری اسلامی است. دنیا وجود و وزنه این جنبش را در اعتراضات خیابانی، در سوزاندن حجاب و شکستن آپارتاید جنسی لمس کرد. یک خصلت چشمگیر جنبش آزادی زن در ایران، حضور وسیع و فعال مردان در آنست. توازن قوا بشدت تغییر کرده است. جنبش آزادی زن موفق شد حجاب را بطور دوفاکتو

توده های مردم، طبقه کارگر و جنبش آزادی زن. در شرایط خطیر کنونی منطقه و جهان، هوشیاری صد چندان لازم است تا در مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی سدی در مقابل این تله رژیم چنجی قرار دهیم. آرمان های سوسیالیستی، یعنی آزادیخواهانه و برابری طلبانه در ایران عمیق و ریشه دار است. این آرمان ها باید با صدای رسا فرموله و بیان شوند. اتحاد و همبستگی باید گسترش یابد. سازماندهی انقلابی باید شکل بگیرد. نبردی عظیم و تعیین کننده در مقابل مان است.

حتی اگر تئوری را نادیده بگیریم، تجربه عملی تاریخی باثبات رسانده است که آزادی و برابری تحت سرمایه داری یک امر محال است. به دنیا بنگرید، از بخش اعظم جهان که زیر سرکوب و دیکتاتوری به یمن آمریکا و غرب قرار دارد می گذریم، به غرب، به مهد دموکراسی و رفاه نگاهی بیاندازیم. ۸۰ سال پس از پایان یک جنگ خانمان برانداز جهانی که به نسل کشی های دهشتناک در گوشه و کنار جهان انجامید، کوره های آدم سوزی براه انداخت و پایانش را آمریکا با پرتاب دو بمب اتمی بر ژاپن جشن گرفت، پس از شعارهای "دیگر هرگز نه!" حقوق بشر و دموکراسی، فاشیسم با تمام قوا دارد بر غرب حاکم می شود. سرکوب و سانسور بیداد می کند، فقر و تنگدستی میلیون ها نفر را در غرب "مرفه" به کام خود گرفته است. دولتمردان غرب بر طبل جنگ می کوبند. هزاران نفر در فلسطین کشتار شده اند، آتش جنگ منطقه را در کام خود گرفته است. خاورمیانه عملاً به یک ویرانه، به یک گورستان باز دستجمعی بدل شده است. پاکسازی یک ملت در مقابل چشمان جهان دارد به وحشیانه ترین شکل ممکن به پیش می رود. این سرمایه داری است. سرمایه داری با بخون کشیدن جامعه حاکم شد و با به بردگی کشیدن میلیون ها انسان به حیات خود ادامه داده است. این سرشت سرمایه داری است.

جنبش آزادی زن در ایران باید پرچم سوسیالیسم، پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی واقعی و نه فرمال را به اهتزاز در آورد. اگر تاکنون نتوانسته اند رژیم چنج را عملی کنند، وجود این رادیکالیسم سوسیالیستی درون جامعه ایران است. رضا پهلوی به زبان بی زبانی گفته است که ایران در "دوره گذار" به یک حکومت چپ احتیاج دارد. به قدرت خود ایمان بیاوریم. به نیروی همبسته و سازمانیافته خود متکی شویم. اجازه ندهیم تا خواست ها و آرمان هایمان را رقیق و منحرف کنند.

۸ مارس یک موقعیت مناسب برای تحکیم و تقویت جنبش مان است. جنبشی که برای آزادی و برابری انسان از یوغ بردگی و استعمار، بیحقوقی و سرکوب و نابرابری مبارزه می کند. در جامعه ای که استعمار و سود و بردگی حاکم است، هیچ بخشی از جامعه بجز بورژوازی نمی تواند آزاد باشد.

۸ مارس روز همبستگی بین المللی میان ستمدیدگان و محرومین جهان است. اعلام همبستگی انسانی با مردم قصابی شده فلسطین، با مردم بی پناه منطقه که در زیر بمباران اسرائیل و آمریکا سلاخی می شوند امری مهم و ضروری است. در روز ۸ مارس پرچم آزادیخواهی، برابری طلبی، انسان دوستی را به اهتزاز در آوریم. ۸ مارس روز جنبش ماست.

**زنده باد آزادی زن!**

**زنده باد آزادی و برابری!**

**سازمان آزادی زن**



آذر ماجدی [azar-majedi.com](http://azar-majedi.com)

---

## تراژدی اوکراین:

### یک جنگ نیابتی، تراج جانی و مالی

پروسه بود. در سازمان ملل روز دوشنبه ۲۴ فوریه در سومین سالگرد جنگ، قطعنامه ای در محکومیت آن به رای مجمع عمومی سازمان ملل گذاشته شد که آمریکا و روسیه هر دو به آن رای منفی دادند، در حالیکه دولت های غربی رای شان مثبت بود. این یک رویداد تاریخی در حیات سازمان ملل محسوب می شود، آمریکا و روسیه در مقابل سایر کشورهای غربی.

در هفته های اخیر خبر مذاکره برای ختم جنگ اوکراین در صدر اخبار بود. ترامپ با اعلام خواست پایان جنگ و مذاکره با روسیه، در ابتدا موجب خشم دولت های غربی شد، رسانه های بستر اصلی به تکفیر او و این تصمیم پرداختند. مذاکره تلفنی ترامپ و پوتین اولین مرحله رسمی و جلسه میان وزرای امور خارجه آمریکا و روسیه بدون دخالت اوکراین در ریاض، عربستان سعودی، قدم دوم این

پس از یکی دو هفته جنجال اولیه، بحران فی مابین ترامپ و اروپا فروکش کرد. یک هفته فشرده از اقدامات دیپلماتیک و بیانیه های تبلیغاتی، از جمله اجلاس سران کشورهای اروپایی در پاریس و سفر ماکرون و استارمر به واشنگتن را شاهد بودیم. ماکرون علیه تهدید روسیه برای اروپا داد سخن داد، از جمله تهدید منافع اروپا در آفریقا. تنش و هیاهوی اولیه تا حدودی خوابید. استارمر در کنفرانس مطبوعاتی در واشنگتن ترامپ را برای این ابتکار تحسین کرد و اعلام نمود که مساله امنیت مهم است. ترامپ هم پذیرفت و گفت که فرانسه هم اعلام تمایل و آمادگی برای ارسال نیرو برای "حفظ صلح" کرده است. زلنسکی روز جمعه با اعلام نیت امضای قراردادی که طبق آن آمریکا و اوکراین مشترکاً فلزات کمیاب اوکراین را استخراج و به فروش می رسانند، به واشنگتن سفر کرد. قرار بود که درباره صلح و آتش بس نیز به توافق برسند. اما این ملاقات آنطور که پیش بینی می شد و زلنسکی اعلام کرده بود پیش نرفت. در پایین به آن باز خواهیم گشت.

مفاد صلح کدامست؟ هنوز طرح پیشنهادی فاش نشده است. اما از اسنادی که درز یافته و همچنین بر مبنای سخنان ترامپ و وزیر دفاع آمریکا در اجلاس ناتو، مساله پیوستن اوکراین به ناتو، امری که مورد مناقشه روسیه با آمریکا و ناتو بوده و روسیه آنرا دلیل حمله به اوکراین اعلام کرده، منتفی است. این خواست اولیه و پایه ای روسیه است. بعلاوه روسیه به مرزهای پیش از ۲۰۱۴ باز نخواهد گشت. یعنی مناطقی که عمدتاً روسی زبان هستند تحت

کنترل روسیه باقی خواهند ماند. آمریکا نیز اعلام کرده که نیرو برای امنیت به اوکراین اعزام نخواهد کرد. طبق سندی که درز یافته آوریل آتش بس اعلام خواهد شد و جزئیات طرح تا ۹ مه تدوین می شود و ترامپ در فکر سازمان دادن یک کنفرانس بزرگ صلح است.

خبر آغاز پروسه صلح باعث خشم دولت های اروپایی شد و موجب شادی بخش وسیعی از مردم جهان که سه سال است شاهد یک جنگ خانمان برانداز و ویرانگر بدون هیچ آینده روشنی هستند. پیشنهاد مافیایی ترامپ به زلنسکی برای در اختیار گرفتن نیمی از فلزات کمیاب اوکراین به ارزش حدود ۱ تریلیون دلار، حیرت و اعتراض اولیه دولتمردان و رسانه های بستر اصلی راموجب شد. دولت های اروپایی ادعا کردند که کمک به اوکراین بلاعوض و در دفاع از استقلال و حاکمیت آنست، دفاع از خود در برابر خطر حمله روسیه و برای دفاع از دموکراسی و قس علیهذا است. اما یک هفته گذشته بود که کاشف بعمل آمد اروپا به این منابع نظر دارد. کمیسر اروپای واحد برای استراتژی صنعتی، استفان سه ژورن روز دوشنبه 24 فوریه در مجمعی که بمنظور گرامیداشت سومین سالگرد جنگ در کیف گرد آمده بود، صریحاً اعلام کرد که اروپا به این معادن فلزات کمیاب چشم داشت دارد. توماس راگنیه سخنگوی کمیسیون اروپا بلافاصله اعلام کرد که طرح جدیدی امضاء نشده، بلکه اروپا و اوکراین در سال ۲۰۲۱ قراردادی تحت عنوان "یادداشت تفاهم" امضاء کرده اند که طبق آن اروپا عملاً حق استخراج از این معادن را

دارد و فی الحال از آنها بهره برداری می کند. این اعتراف پیش از هر چیز ریاکاری ناتو و دولت های غربی در دفاع دروغین از اوکراین را برملا کرد. نه تنها اروپای واحد مشغول بهره برداری از این معادن است، در ماه مه ۲۰۲۳، یک سال پس از آغاز جنگ، بلاک راک،

بزرگترین شرکت مدیریت دارایی در دنیا که آمریکایی است، کنترل ۴۷٪ اراضی کشاورزی اوکراین را طی قراردادی با زلنسکی در اختیار گرفته است. شرکت آمریکایی کرنل حدود 15 درصد از اراضی کشاورزی اوکراین را از سال ۲۰۱۱ در اختیار داشته و بزرگترین تولید کننده روغن آفتابگردان است.



هر چند که حقایق پشت تصمیم و تلاش ناتو برای جنگ افروزی و ساختن یک روایت دروغین "روسوفوب" برای میلیتاریزه کردن جامعه پس از سه سال تبلیغات جنگ افروزانه و دامن زدن به آتش جنگ و ممانعت از صلح برای بسیاری آشکار شده است، اما این از پرده بیرون افتادن حقایق پشت پرده، ماهیت تبلیغات و تلاش ناتو را هر چه بیشتر نمایان ساخت. یکبار دیگر نشان داده شد که تفاوت ترامپ با دیگر سیاستمداران و روسای دولت صرفاً

در شخصیت و نحوه برخورد اوست تا در سیاست و ایدئولوژی. ترامپ اهل دیپلماسی نیست. سر راست می رود سر موضوع. روش قلدر مابانه اش را پنهان نمی کند. این بخش قابل توجهی از دولتمردان را عصبانی می کند چون پته شان را روی آب می ریزد. تمام ژست های دیپلماتیک شان را نقش بر

آب می کند. ما این رویکرد را چه در رابطه با غزه و چه اوکراین مشاهده کردیم. بعلاوه، درگیری های بسیاری طی 8 سال اخیر میان ترامپ و رهبری حزب دموکرات پیش آمده است و ترامپ با انگیزه یک انتقام شخصی نسبت به دولت بایدن برخورد می کند. (نمونه ای

از این خشم انتقام جویانه را در کنفرانس مطبوعاتی ترامپ و زلنسکی در اووال آفیس در کاخ سفید روز جمعه ۲۸ فوریه شاهد بودیم. حمله شدید ترامپ به جو بایدن و پسرش هانتر بایدن که پرونده رشوه گیریش از مقامات اوکراین و دست داشتن در آزمایشگاه های زیستی اوکراین آشکار شد و جو بایدن قبل از پایان ریاست جمهوری هانتر را مورد عفو قرار داد.)

رسانه ها و سیاستمداران ابتدا تلاش ترامپ برای پایان جنگ اوکراین را محکوم کردند. برای مردم اوکراین

اشک تماشای ریختند و خواهان جنگ تا پیروزی شدند. اما دیدیم که استارمر در ملاقات با ترامپ ابتکار او را تحسین کرد. سپس در واکنش به مجادله ترامپ و ونس با زلنسکی بخشی از دولت های اروپایی، از جمله کشورهای اسپانیا، بالتیک، سوئد، نروژ، فنلاند، هلند، لهستان، چک و اسلوواکیا حمایت خود را از زلنسکی و ادامه جنگ ابراز کردند. منتهی سه قدرت اصلی اروپا بریتانیا، فرانسه و ایتالیا هنوز واکنشی نشان نداده اند. استارمر نخست وزیر بریتانیا فراخوان یک کنفرانس برای روز یکشنبه ۲ مارس داده است. فضای حاکم بنظر آشفته و پریشان می رسد. از یک طرف هارت و پوت می کنند، از طرف دیگر سعی می کنند با ترامپ همراه شوند. اما تبلیغات ناتو هنوز بر طبل جنگ می کوبد. بنظر می رسد که هیات حاکمه در اروپا این سیاست ترامپ را توفیق اجباری قلمداد می کند. بورژوازی فرصت یافت تا بر طبل روسوفوبیا بکوبد، بر سیاست جنگ افروزانة بدمد و با ایجاد هراس از حمله روسیه فضای میلیتاریزه بر جامعه حاکم کند، بودجه نظامی را به قیمت کاهش وحشتناک حقوق رفاهی توده مردم سرسام آور افزایش دهد. فاشیسم چند قدم دیگر پیشروی داشته است.

نمی توان با قاطعیت از نیت واقعی دولت های ناتو صحبت کرد. بسیاری از مفسرین دست راستی از شکست اوکراین در جنگ صحبت می کنند. روسیه پیشروی بسیاری داشته و هنوز قدرت جنگیدن را چه از نظر انسانی و چه نظامی و مالی داراست. این مساله در مورد اوکراین صدق نمی کند. میلیاردها دلار صرف این جنگ شده، رقم دقیقی از

کشته شده ها در دست نیست، حدود یک میلیون نفر تخمین زده می شود. اوکراین عملا با کمبود سرباز مواجه است. بنظر می رسد که جنگ ادامه پذیر نیست. ناتو پیش از این دخالت مستقیم تر در جنگ سخن می گفت. و عملا می بینیم که این دخالت دارد تحت عنوان "نیروی حفظ صلح" انجام می گیرد. آیا روسیه با این پیشنهاد موافقت می کند؟ گفته می شود، پوتین چنین خواستی را رد کرده است.

در این میان سوالات متعددی طرح می شود: آیا جنگ خاتمه می یابد؟ آیا صلح میان روسیه و اوکراین برقرار می شود؟ مناسبات آمریکا و روسیه چه شکلی بخود خواهد گرفت؟ آیا تنش میان آمریکا و اروپا تعمیق می شود؟ آیا موجودیت ناتو در خطر است؟ و بالاخره، در صورت شکست طرح صلح، آیا جنگ جهانی سوم اجتناب ناپذیر خواهد بود؟ اینها سوالاتی است که در فضا در گردش است.

بنظر می رسد که قطعنامه سازمان ملل نیز مثل روشن کردن چراغ های برج ایفل و یک دقیقه سکوت در پارلمان اروپای واحد تلاش های ظاهر سازانه است. بنظر می رسد که ختم جنگ نزدیک است. اما تا زمان امضای قرارداد نمی توان صد در صد مطمئن بود. در صورت خاتمه، این سوال پیش می آید که عمر این صلح یا آتش بس چه مدت خواهد بود؟ آیا این قرارداد نیز به سرنوشت موافقت نامه مینسک که در سال ۲۰۱۵ با وساطت فرانسه و آلمان به امضاء رسید، دچار نخواهد شد؟ آیا دنیا، روسیه یا اوکراین می توانند به کلمات و امضاء های این دولت ها اعتماد

کنند. آیا این یک تنفس در جنگ خواهد بود تا ناتو برای جنگ افروزی بعدی آماده شود؟ اینها سوالات بازی است.

مطالبه غارتگرانه ترامپ یکی از نیت های دولت های غربی برای جنگ افروزی را صریح و روشن آشکار کرد. معمولاً برنده در جنگ دست به غارتگری و اشغال می زند. اینجا "حامیان" طرف ضعیف در جنگ دارند ثروت اوکراین را به تاراج می برند. گفته می شود اوکراین حدود ۵ تا ۷ درصد مخازن فلزهای کمیاب دنیا را در اختیار دارد. بدنبال طلبکاری قلدر مابانه ترامپ، آشکار شد که غارت این فلزات بطور رسمی از سال ۲۰۲۱ توسط اروپا آغاز شده است و اکنون ترامپ می خواهد نیمی از این مخازن را در عوض بمب هایی که به اوکراین داده است به جیب بزند. یکی از مسائلی که در این زمینه مورد بحث و شکایت قرار دارد، حاکمیت روسیه به دونتسک و مینسک است که گویی دارای معادن ذغال سنگ و برخی از فلزات کمیاب است.

کنفرانس مطبوعاتی روز جمعه نشان داد که توافق کامل میان ترامپ و اوکراین، بخوان ناتو بدست نیامده است. زلنسکی یک عروسک خیمه شب بازی، مومی در دست ناتو است. همانگونه که در مارس ۲۰۲۲ ابتدا قرارداد صلح با روسیه را امضاء کرد و پس از سفر بروس جانسون به کیف در اعتراض به قرارداد، امضای خود را پس گرفت، اکنون نیز تا توافق کامل ناتو را نداشته باشد، مانور می دهد و بازی در می آورد. زلنسکی بازیگر حرفه

ای است که تاکنون میلیون ها دلار به جیب زده است. برخی از مفسرین اعلام می کنند که این مجادله برنامه ریزی شده بوده است.

این روشن است که بدون آمریکا ناتو نخواهد توانست این جنگ را ادامه دهد. سفر ماکرون و استارمر و نخست وزیر لهستان به آمریکا تلاشی برای رسیدن به یک توافق مشترک است. ترامپ فعلاً با پیشنهاد فرانسه و بریتانیا برای ارسال نیروی ناتو برای حفظ صلح اعلام موافقت کرده است. ترامپ در همین کنفرانس مطبوعاتی به زلنسکی گفت، در صورت عدم پایان جنگ با جنگ جهانی سوم روبرو خواهیم شد. احتمال صلح بالاست. جزئیات و دوام آن زیر سوال است. بنظر می رسد که ترامپ قصد دارد این کشمکش را متوقف کند و بر خاورمیانه تمرکز نماید. بااحتمال قوی یک بند مورد مذاکره میان آمریکا و روسیه، بیطرفی روسیه در قبال حمله اسرائیل و آمریکا به ایران است.

در فضای بلبشوی حاکم تشخیص دقیق روندها پیچیده است. برقراری صلح، هر چند موقت در اوکراین، یا حرکت در سرآشیب جنگ جهانی سوم دو راهی کنونی است. یک خاصیت جانبی مشاجره صلح در اوکراین حاشیه ای کردن اخبار دهشتناک فلسطین و منطقه است. درحالیکه چشمان بسوی اوکراین و روسیه و ترامپ چرخیده است. اسرائیل با وحشی گری بمب های آمریکایی را بر روی مردم منطقه، از غزه و لبنان تا سوریه می ریزد.



# میراث جنبش سوسیالیستی آزادی زن گرامی باد

۸ مارس ۲۰۲۵ (۱۷ اسفند ۱۴۰۳)

روز جهانی زن



سوسن لاری

نسل‌کشی و هولوکاست، بنظر رویدادهای دور و تاریخی می‌آمدند. همه چیز در کتاب‌ها بود! اما امروز در مقابل چشمان ما تکرار می‌شود. باورنکردنی است!

دولت‌های غربی آشکارا در این نسل‌کشی سهیم‌اند. آشکارا نیات جنایتکارانه خود را بیان می‌کنند. حتی تحت عنوان «دیپلماسی» هم نقشه‌هایشان را پنهان نمی‌کنند. سرکوب و کشتار را سریعاً توجیه می‌کنند و اعتراض علیه آن جرم محسوب می‌شود. کسانی که پرچم آزادی را در تظاهرات بلند می‌کنند دستگیر می‌شوند. فقر و تندستی بیداد می‌کند. فاشیسم بسرعت عروج می‌کند.

این سرمایه‌داری است که با جنگ، اشاعه خرافه، تفرقه بر مبنای مذهب، زن‌ستیزی، و نسل‌کشی به بقای خود ادامه می‌دهد و رشد می‌کند. بورژوازی برای حفظ حاکمیت خود نیازمند روایت‌های دروغ و ساختگی است.

در چنین روزی در سال ۲۰۲۵، ما روز جهانی زن را گرامی می‌داریم. با این حال، این سوال ضروری است که آیا پیشرفت قابل توجهی در پیشبرد حقوق زنان و تضمین موقعیت برابر برای زنان حاصل شده است یا خیر.

در آستانه ۸ مارس قرار داریم. انتظار می‌رفت که در سال ۲۰۲۵ پیشرفتها و آزادی‌های بیشتری داشته باشیم. اما در جهانی قرار گرفته‌ایم که جنگ، نسل‌کشی، تفرقه جنسیتی و طبقاتی، تجاوز جنسی، خشونت خانگی، فقر، بی‌خانمانی، بیماری‌های روحی و جسمی، راسیسم و بیکاری ابعادی باورنکردنی پیدا کرده است.

چه کسی فکر می‌کرد در این زمان هزاران نفر را در جلوی چشمان ما در غزه کشتار کنند؟ چه کسی فکر می‌کرد که خاورمیانه در جهت منافع امپریالیسم غرب باز تقسیم و باز تعریف شود؟ جنایات جنگ جهانی دوم،

منصور حکمت در برنامه کمونیسم کارگری (یک دنیای بهتر) می گوید:

«نظام سرمایه داری مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همه و همه محصولات گریزناپذیر این نظامند. سخنگویان بورژوازی در انکار این حقیقت، خاطر نشان میکنند که این مصائب را سرمایه داری ابداع نکرده است، که همه اینها مقدم بر سرمایه داری وجود داشته اند، که استثمار و تصاحب دسترنج تولید کنندگان، استبداد، تبعیض، ستمکشی زن، جهل و خرافه و مذهب و فحشاء کمابیش به قدمت خود جامعه بشری اند.

آنچه در این میان پرده پوشی میشود این واقعیت است که اولاً، همه این مصائب و محرومیت ها در این جامعه محتوا و معنای جدیدی متناسب با نیازهای جهان سرمایه داری یافته اند و هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لایتجزای این نظام، باز تولید میشوند. منشاء فقر و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی و ناامنی اقتصادی در انتهای قرن بیستم، نظام اقتصادی انتهای قرن بیستم است. استبدادها و دیکتاتوری های خونین، جنگها، مردم کشی ها و

سرکوب و اختناقی که سهم صدها میلیون انسان امروز از زندگی است، حکمت خود را از نیازها و ملزومات نظام حاکم بر جهان امروز میگیرد و به منافی در همین جهان خدمت میکند. فرودستی زن امروز در کل پهنه جهان، محصول اقتصاد و اخلاقیات قرون وسطی نیست، محصول نظام اقتصادی و اجتماعی و ارزش های اخلاقی جامعه امروز است.»

اما در آستانه ۸ مارس باید پرسید آیا پیشرفتی در زمینه موقعیت و حقوق زن در جامعه حاصل شده است؟ جنبش آزادی زن به یمن بیش از یک قرن مبارزات خود پیشروی های مهمی در بخشی از جهان داشته است. جنبش سوسیالیستی انقلابی زنان در اروپا که روز ۸ مارس را تعیین کرد، انقلاب اکتبر، جنبش آزادی زن در غرب در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی لحظات مهم تاریخی در این روند است.

جنبش آزادی زن از روز اول در یک جنگ تن به تن با جمهوری اسلامی قرار داشته و در جامعه ریشه دوانیده است. جنبش آزادی زن یک ستون محکم برای سرنگونی انقلابی و ایجاد یک جامعه آزاد و برابر است.

هشت مارس، روز آزادی و برابری زن است. روزی که مردم در سراسر جهان زن ستیزی را محکوم می کنند و بر خواست یک دنیای عادلانه تر و یک دنیای بهتر پافشاری می کنند. اگرچه پیشرفت هایی در بخشی از جهان حاصل شده است، اما هنوز راهی طولانی در پیش روی ما است.



تظاهرات ۸ مارس در پیترزبورگ، روسیه در ۱۹۱۷

کمون پاریس را گرامی داشتند. جنبش ما تا سرنگونی سرمایه داری که مسبب، ریشه ستم، سرکوب، بردگی و نابرابری در جامعه است، ادامه خواهد داشت.

زنان، مردان و کودکان همچنان روزانه کشته و آواره می شوند. زنانی که به این جنایات اعتراض می کنند دستگیر می شوند. فاشیسم در بسیاری از کشورهای غربی عروج کرده است. خاورمیانه در ویرانی است. جهان در آستانه جنگی عظیم تر قرار گرفته است. این نظم را باید واژگون کرد. جنبش آزادی زن در روز ۸ مارس باید بر این امر تاکید مجدد بگذارد.

**مرگ بر سرمایه داری!**  
**زنده باد روز جهانی زن!**  
**زنده باد سوسیالیسم!**  
**زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

ما قویا از میراث اولین تظاهرات جنبش سوسیالیستی روز جهانی زن در ۱۹۱۱ دفاع می کنیم: اولین ۸ مارس، بیش از یک میلیون نفر در کشورهای اروپایی

# برابری زن و مرد

یک دنیای بهتر  
برنامه حزب کمونیست کارگری

پیش نویس برنامه در کنگره اول حزب کمونیست کارگری ایران در ژوئیه ۱۹۹۴ (تیر ۱۳۷۳) به تصویب رسید. کنگره از منصور حکمت که سند پیش نویس را تهیه کرده بود خواست که متن نهائی برنامه را آماده کند و برای تصویب در اختیار کمیته مرکزی حزب قرار دهد. پلنوم دوم کمیته مرکزی در تاریخ نوامبر ۹۴ (آبان ۷۳) متن ارائه شده توسط منصور حکمت را مورد بررسی قرار داد و بعد از اصلاحاتی متن حاضر را تصویب نمود. این متن اولین بار در مارس ۹۵ (اسفند ۷۳) در شماره ۱۷ «انترناسیونال»، نشریه حزب کمونیست کارگری ایران، و پس از آن در تاریخ مه ۹۶ (اردیبهشت ۷۵) به صورت کتاب منتشر شد.

حزب کمونیست کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بفوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:



منصور حکمت

۱- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۲- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

۳- برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه. لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

۴- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در اداء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز

زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

۵- لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی.

نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجاندن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

۶- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.

آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیر آمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز

منصور حکمت: «این بخش برنامه رئوس اقدامات و مطالبات اصلاحی حزب کمونیست کارگری را برمیشمارد که پرچم حزب در جنبش های مطالباتی کارگران و در مبارزه برای تحمیل اصلاحات به نظام موجود است. مطالبات و موازین زیر اگرچه حتی در قیاس با پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری در جهان امروز موازینی رادیکال و ایده آل جلوه گر میشوند، در واقعیت امر تنها گوشه کوچکی از حقوق و آزادی هایی را در برمیگیرند که در یک جامعه کمونیستی به کامل ترین شکل تحقق خواهد یافت.»

سایت های مطالب منصور حکمت

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

[www.hekmat.public-archive.net](http://www.hekmat.public-archive.net)

# لجام گسیختگی بربریت سرمایه داری علیه پناهندگان و مهاجرین را باید درهم شکست!



جلیل بهروزی

اول فوریه ۲۰۲۵

(این مقاله پیش از این در نشریه کمونیست شماره ۷۸۹ چاپ شده است.)

و گارد ویژه در تلاش است سد محکمی جهت ممانعت از ورود پناهندگان به اروپا گردد!!) قلب هر انسان با وجدان را به درد میآورد.

در آمریکا این مسابقه و ددمنشی علیه مهاجرین با روی کار آمدن ترامپ شتاب گرفته به نحوی که زرادخانه ارتش را در مرزها چندین برابر کرده و با هواپیمای نظامی پناهندگان و مهاجرین را به کشورهای همجوار گسیل میکنند و طبق یک دستور اجرایی ترامپ قرار است بیش از ۳۰ هزار پناهنده و مهاجر به اردوگاه‌های مخوف و وحشتناک گوانتانامو اعزام شوند. ناگفته نماند که کارنامه ۱۲ ساله ریاست جمهوری او با ما و بایدن اگر سیاه تر از دونالد ترامپ نباشد، سفید نیز نیست. تحت نام قانون "بازگشت به وطن" این دو رئیس جمهور حدود ۱۰ میلیون پناهنده و مهاجر را در طول ۱۲ سال دبیورته کرده اند.

در اروپا تصویر بغایت تیره تر است. در آلمان، انگلیس، فرانسه، سوئد، هلند و ایتالیا و بعد مجارستان، یونان و

در خلاء یک جنبش قدرتمند سوسیالیستی و کارگری، طبقه سرمایه‌دار و حکومت‌های گوناگون آن در سطح بین‌المللی لجام گسیخته تر میشوند و ضعیف‌ترین و کم‌دفاع‌ترین بخش‌های جامعه را از هر طرف به نحو وحشیانه‌ای مورد تعرض قرار میدهند، در جنایت و بربریت از یکدیگر پیشی میگیرند و ضد انسانی‌ترین قوانین را علیه مهاجرین و پناهندگان تصویب و به اجرا میگذارند.

تصویر هولناک آوارگان و پناهندگان بخت برگشته‌ای که در تلاش برای یافتن مکانی امن در دام مرگ و نابودی افتاده اند به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی امروز بدل شده است. غرق شدن پناهندگان در آب‌های ترکیه و یونان، شرایط مرگبار گذرگاه‌هایی چون «دارین» در کلمبیا، خیل عظیم انسانی، کودک و سالمند پشت دیوارهای نوع اسرائیلی در مرزهای جنوبی آمریکا که با روی کار آمدن ترامپ طولانی‌تر و بلندتر هم خواهد شد، موج انسان‌هایی که در سرمای شدید پشت بیش از دو هزار کیلومتر سیم خواردار دولت فاشیست مجارستان اسیر شده اند (ویکتور اوربن در خوش خدمتی به اروپای واحد با ایجاد این دیوار



تظاهرات در برلین علیه سیاستهای ضد مهاجرین در آلمان

کردن سیاستهای احزاب سنتی و غالب و بعضاً لیبرال بسمت ضدیت آشکار با ضعیفترین بخشهای جامعه و در راس آنان "بیگانگان" می‌باشد.

حاکمیت سرمایه داران در بخش اعظم اروپا ضمن حمایت همه‌جانبه از نسل کشی هولناک فلسطینیان در غزه توسط دولت آپارتاید اسرائیل و در پرتو این هولوکاست ضد عرب و ضد "مسلمان" عزم کرده اند در این ارکستر مرگ، تخریب و آوارگی جهانی بر علیه مردم خاورمیانه

ترکیه و کشورهای بالکان موج وسیعی از اسارت پناهندگان و مهاجرین و دیپورت میلیونی به راه افتاده است. کشته شدن پناهندگان در دریا و یا در گذرگاههای طولانی و سرد تنها گوشه ای از سرنوشت دردناک آوارگان از آفریقا، خاورمیانه ای و آسیای جنوب شرقی است.

در اروپا احزاب ریز و درشت اولترا راست و فاشیست با اتکا به پروپاگاندای راسیستی، ضد پناهندگی و مهاجری در حال عروج هستند که کمترین حاصل برآمد آنان شیفت



پناهنده سوری را به سوریه تحت حاکمیت برادرخوانده القاعده روانه سازد، دست پیش را گرفته است.

در هلند ائتلاف چهار جریان به رهبری حزب برای آزادی، «حزب برای آزادی» (pvv) با نخست وزیر دیک شووف که خود رئیس سازمان مبارزه با تروریسم و امنیت در سرویس اطلاعاتی بود و با هدایت گبرت واپلدرز (یک فاشیست به تمام معنی که به خاطر سوابقش و جرمش



شرمشان میشود که علنا در راس دولت قرار دهند) خیز برداشته که کلا پناهنده پذیری را تا اطلاع ثانوی غیر قانونی کنند. امکان اخذ مجوز اقامت دائمی و کمکهایی حقوقی را لغو کرده و قرار است که پناهندگان هلندی را به اوگاندا بفرستند. به کشوری که در حال حاضر یک میلیونی و ششصد هزار پناهنده از دیگر کشورهای آفریقایی در آنجا در عذاب و شکنجه در انتظار نامحدود بسر میبرند. کاری که همین الان دولت راستی ایتالیا، جورجیا ملونی در بیغولهای تونس انجام میدهد و آلبانی مقصد بعدی برای زندانی کردن پناهندگانی است که وارد خاک ایتالیا شده اند.

و شمال آفریقا و کشورهای اسلام زده نقش بزرگتری را ایفا کنند. دوران انتظار پناهنده برای پذیرش ضمن جذب نسبی در جامعه به رویا بدل شده و امروز هزاران پناهنده در کمپها و چادرهای پر ازدحام و در فقر و بی امکاناتی



وسیع باید سالها در انتظار باشند و این در حالی است که خطر دیپورت و یا زندانی شدن در کشورهای چون رواندا، اوگاندا، آلبانی، تونس و گینه نو (زندان پناهندگانی که از آسیای جنوب شرقی به استرالیا پناه بردند) برای دوران انتظار پذیرش و یا مرگ تدریجی در نظر گرفته شده است.

به آلمان نگاه کنید، حزب اخیرا شکل گرفته فاشیست آ اف دی، حزب دموکرات مسیحی، سی دی یو را هر چه بیشتر علیه پناهندگان گستاخ میکند! قرار بر این است این دو در ائتلاف با هم حزب سوسیال دموکرات را به زمین بزنند تا با دریدن همه پرده های دورویی دموکراسی، امر سرمایه داری بغایت درنده خو را به پیش برند. هرچند که اولاف شولتس با اعلام این که میخواهد بیش از یک میلیون

در اروپا رویکرد همه‌جانبه علیه مهاجرین و پناهندگان با روی کار آمدن احزاب راست و اولترا راست شتابان در جریان است. بطور نمونه در سوئد با قدرتمند شدن حزب مودرات در پارلمان و گرفتن بیش از ۷۰ کرسی توسط حزب NR لوپن در انتخابات سال پیش فرانسه و با روی کار آمدن حزب «برادران ایتالیا» در ایتالیا ظاهراً روند علیه مهاجرین و پناهندگان سر باز ایستادن ندارد. باید مقابل این موج ضد انسانی بر علیه مهاجر و پناهنده که توسط دولت‌ها و احزاب سرمایه داران در سطح جهانی سازمان داده شده، قطعاً ایستاد. بارقه‌های مقاومتها و اعتراضات گسترده علیه این تحرکات فاشیستی و راسیستی را هم اکنون شاهد هستیم. در برلین روز پنجشنبه، ۲۹ ژانویه بیش از ۱۳۰۰۰ نفر در مقابل مقر حزب دموکرات مسیحی آلمان در دفاع از حقوق مهاجرین و پناهندگان تجمع کردند. در درسدن هزاران تظاهرکننده خشمگین علیه تجمع انتخاباتی فردریک مرز به خیابان آمدند. در کلن نیز بیش از ۱۵۰۰۰ نفر در اعتراض علیه حزب ال‌ترا راست آلترناتیو برای آلمان (afd) شرکت کرده بودند. این تجمعات به دریای نور

تشبیه شده اند. در انگلستان در چند ماه گذشته شاهد به خیابان آمدن بیش از صد هزار نفر در اعتراض به تحرکات و تظاهرات‌های جریان‌ات اولترا راست به رهبری تامی رابینسون، یک لومپن-فاشیست و خلافکار حرفه ای (کسی که ایلان ماسک از او حمایت می کند!!) بودیم. در شهرهای واشنگتن، دالاس، اوکلاهاما، کلمبوس اوهایو و دیگر شهرهای امریکا تظاهرات‌های گسترده در هفته گذشته در جریان بود. در این اجتماعات دانش آموزان و معلمین، اتحادیه کارگری شرکت فعالی داشتند. بطور قطع این اعتراضات به چند شهر و کشور محدود نیست و محدود نخواهند ماند و گسترده تر و عمیق تر خواهد شد. چرا که انسانیت مترقی، عدالت خواه و آزادیخواه همانطور که در جریان نسل کشی مردم فلسطین در مقیاس جهانی سکوت نکرد و از پای ننشست. دخالت وسیع طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی در این جدال سرنوشت ساز علیه بربریت سرمایه داری و نمایندگان رنگارنگ آن و جنبش‌های سیاه اولترا راست و فاشیست بسیار تعیین کننده است چرا که این تهاجم ضد انسانی تنها به مهاجرین و پناهندگان محدود نیست و خواهد ماند.



تظاهرات در شیکاگو



آذر ماجدی [azar-majedi.com](http://azar-majedi.com)

## تروریسم یا روان پریشی؟ روایت های دست ساز

### حمله به مهاجرین در سوئد

آفریقایی یعنی یک راسیسم عمیق روایتی است که بر مغز این روان پریش حاکم شده است. و این روایت را هیات حاکمه در جامعه رایج و شایع کرده است.

ایجاد جدایی، نفرت و تخاصم در جامعه یک روش دائمی و شناخته شده بورژوازی است. در شرایط بحرانی این روش گسترده تر و شدیدتر می شود. و این شرایطی است که ما اکنون در دنیا و در غرب با آن مواجهیم. رشد سریع السیر فاشیسم در غرب حیرت انگیز است. احزاب دست راستی و حتی رسماً فاشیست در اروپا بقدرت می رسند. سرکوب و سانسور بیداد می کند. فقر و تنگدستی بشدت گسترش یافته است. دولت ها علناً و با وقاحت از کوچ اجباری صدها هزار انسان به برده گاه های خود ساخته در آفریقا حرف می زنند. ظاهر سازی های "بشر دوستانه" و احترام به دموکراسی کاملاً کنار گذاشته شده است.

در این شرایط است که ما شاهد گسترش عملیات تهاجمی به تجمع انسان ها هستیم. این رویداد دردناک و ترسناک دو مساله

روز سه شنبه ۴ فوریه در یک تیراندازی در مدرسه ای برای بزرگسالان در شهر اوربرو و ۱۰ نفر کشته و تعدادی مجروح شدند. تعداد قابل توجهی از محصلین این آموزشگاه مهاجرینی هستند که برای آموزش سوئدی یا حرفه های مختلف به این مدرسه می روند. پلیس سریعاً انگیزه "ایدئولوژیک" را منتفی اعلام کرد. اعلام شده که ضارب از نوجوانی از بیماری روانی رنج می برده و باین ترتیب این جنایت را امری شخصی - روانی توصیف می کنند. در واقع دارند انگیزه و چرایی چنین رویداد تراژیکی را ماستمالی می کنند.

اولاً، فیلمی از ضارب موجود است که در آن شعار می دهد: "اروپا را ترک کنید!" همین شعار کافیتست تا انگیزه را حداقل راسیسم خواند. بعلاوه، لازم نیست روانپزشک باشید تا درک کنید که هر فردی که تفنگ بر می دارد و به یک جمعیت شلیک می کند، با هر انگیزه فرموله شده یا نشده، از بیماری و اختلال روانی رنج می برد، لذا پاسخ بیماری روانی، پاسخی از سر باز کن است. چرا این بیمار روانی به یک گروه پناهنده و مهاجر از خاورمیانه که با اسلام تداعی می شود حمله می کند؟ نفرت از پناهنده، از مسلمان، از عرب، از سیاه پوست و

را طرح می‌کند: ۱- ریشه رشد چنین وقایعی و ۲- چرایی شیوه برخورد متفاوت پلیس، دولت و رسانه‌ها به این جنایات.

### رشد فاشیسم، تشدید نفرت و تخاصم

هر زمان که تبلیغات راسیستی و دست راستی اوج می‌گیرد، جنایات کور و بر مبنای نفرت و تحریکات راسیستی نیز گسترش می‌یابد. تحریکات علیه پناهندگان و مهاجرین، بویژه از خاورمیانه، آفریقا و مسلمان‌نسل در تمام اروپا، منجمله سوئد، بشدت گسترش یافته است. در سالهای اخیر جامعه سوئد بشدت به راست گرویده است. سال پیش به ناتو پیوست و یکی از نیروهای فعال تحریک جنگ ناتو با روسیه بشمار می‌رود. دولت هم اکنون در دست ائتلاف دست راستی - فاشیستی است.

چنین حملات و جنایاتی ابتدا به ساکن اتفاق نمی‌افتند. ایجاد ترس و نفرت در جامعه، ایجاد تقابل‌های ساختگی میان بخش‌های مختلف بر حسب نژاد، مذهب و ملیت روشی است که هیات حاکمه با ساختن روایات دروغین و از طریق رسانه‌ها به آن متوسل می‌شود. تبلیغات تحریک آمیز و خصمانه نسبت به پناهندگان و مهاجرین و نسبت به مسلمانان سالهاست که در سوئد و اروپا رو به رشد است. شیطان‌سازی از مردم مسلمان، بویژه مردان و مردم آفریقایی و عرب ابعادی نفرت انگیز یافته است.

یک راه مقابله با این فضا زیر سوال بردن و افشای این تبلیغات است. بطور نمونه هنگام تحرکات راسیستی - فاشیستی در انگلستان ما شاهد تظاهرات گسترده علیه راسیسم و در حمایت از پناهندگان بودیم. پروژه اعزام اجباری پناهندگان به رواندا توسط بریتانیا آغاز و پیگیری شد. اما تلاشهای متعدد دولت برای عملی کردن آن بعلت تظاهرات و پیکت‌های وسیع بی نتیجه ماند. حالا دولت آلمان تصمیم گرفته از تسهیلات اسارت پناهندگان در رواندا سود جوید. حساسیت و هشاری به این شرایط حائز اهمیت بسیار است.

### ضارب مسلمان و غیر مسلمان

هر زمان که متخاصم مسلمان یا مسلمان‌نسل است، بلافاصله و بدون هیچ تحقیق و بررسی، عملیات تروریستی و ضارب تروریست خوانده می‌شود. پلیس این چنین اظهار نظر می‌کند، رسانه‌ها این چنین گزارش و تبلیغ می‌کنند و مردم این چنین توصیف می‌کنند. اگر ضارب سیاه پوست باشد، عملیات را به "گنگ"‌ها مربوط می‌کنند (باند‌های قاچاق مواد مخدر) اگر غیر مسلمان و سفید پوست باشد عملیات را عملیاتی فردی و با انگیزه‌های روان پریشی اعلام می‌کنند. لازم نیست خیلی دقیق و عمیق شویم. فقط به چند عملیات اخیر نگاهی بیاندازیم.

در مورد اخیر پلیس اعلام کرده که این حمله فردی بوده و به تروریسم و گنگ مربوط نیست. چگونه پلیس که اعلام می‌کند هنوز مشغول تحقیق است و دلایل و انگیزه‌ها را نمی‌داند به این سرعت به چنین نتیجه‌گیری قاطعی رسیده است که تروریسم و گنگ را حذف کرده و انگیزه را کاملاً شخصی خوانده است؟ بخاطر بیابوریم که در ماه‌های اخیر دو حمله فردی به گروهی از مردم در آلمان رخ داد. در مورد اول یک مرد جوان افغانستانی مسبب این رویداد شناخته شد. بلافاصله همه از رسانه‌ها تا مسئولین، منجمله جریانات چپ ایرانی این فرد را تروریست و عملیات را تروریستی خواندند. هنوز هیچکس هیچ تحقیقی در مورد انگیزه این فرد و ارتباط او با یک جریان تروریست اسلامی انجام نداده است. بی‌محابا فریاد تروریسم اسلامی به هوا رفت و فراخوان یک جنگ علیه تروریسم اسلامی، بخوان علیه مسلمانان، صادر شد.

چند ماه بعد یک عملیات دیگر در آلمان، این بار توسط یک مهاجر اهل عربستان سعودی انجام گرفت. فریاد تروریسم بلند نشده خاموش شد. چرا؟ این فرد یک اکس مسلم سرشناس و به اعتراف خود از مسلمانان متفر بوده است. به فاصله کوتاهی تروریسم به "روان پریش" تغییر نام یافت و صفحات در مورد

مشکلات روانی او و اینکه اکس مسلم دروغین بوده به نگارش درآمد.

هر سال چندین حمله مسلح "فردی" در مدارس آمریکا اتفاق می افتد. صدها نفر کشته می شوند. "روان پریش"، "تروما" و "پی تی اس دی" احکامی است که برای این جنایتکاران صادر می شود و رسانه ها و دولتمردان ماجرا را به فراموشی می سپارند.

اولاً، اینگونه دسته بندی کردن جرائم جنایی بسیار تبعیض آمیز است و امکان هرگونه عدالت بیطرفانه را از مجرم سلب می کند. پلیس، دولت و رسانه ها با زدن مهر تروریست بر پیشانی ضارب، حکم را پیش از محاکمه صادر می کنند. ثانیاً، چنین روشی با ایجاد ترس موهوم علیه بخشی از مردم، خشونت های راسیستی و کور را تشدید می کند.

اگر بنا باشد که تروما و پی تی اس دی ریشه و دلیل اینهمه جنایت "سفید پوستان" باشد که با احتمال زیاد می تواند چنین باشد، چرا حرکت مشابه از طرف یک افغانستانی، عراقی، سوری، لیبیایی، فلسطینی و سودانی که تمام زندگیشان، به یمن بمب ها و جنایات آمریکا، اسرائیل و ناتو با سخت ترین و دردناک ترین تروماها عجین بوده است، حکم "روان پریشی" یا تروما نمی گیرد؟ راسیسم هدفمند، تعصب، تبعیض آشکار علیه مردم معین، پاسخ این سوال است.

اسلام آنچنان چشمان را کور کرده است که هر گونه منطقی، انصاف، عدالت، و قضاوت فارغ از تعصب و تبعیض به کناری نهاده شده است. کلمه اسلام و مسلمان بلافاصله زنگ خطر تروریسم را در مغزهای تروما زده ضد اسلاميون بصدا

در می آورد. امپریالیسم آمریکا طی سی سال اخیر با آغاز ویرانی کامل خاورمیانه و اعلام "نظم نوین جهانی" و معرفی "اسلام" بعنوان دشمن اصلی تمدن غرب، موفق شد، یک روایت کاملاً دروغ را بر دنیا حاکم کند. میلیون ها نفر را به صرف اعتقاد به یک مذهب معین یا تعلق به جامعه ای که آن مذهب در آن اکثریت دارد، شیطان سازی کند. طی سی سال یک تصویر سیاه و شیطانی از این مردم به دنیا مخابره شده است. درست است گروه های تروریست اسلامی دست به جنایات وحشیانه ای زده اند، اما این گروه ها دست ساز و مخلوق آمریکا و اسرائیل و غرب اند. القاعده، داعش و حماس هر سه از سازمان سیا، موساد و ام آی 6 بیرون آمده اند. جمهوری اسلامی طی یک رژیم پنج بر انقلاب مردم ایران تحمیل و سوار شد. همانگونه که اکنون رهبر قبلی داعش - القاعده با تغییر دکوراسیون به رئیس جمهور سوریه بدل شده است.

یک راه مقابله با این جنایات و تخصصات، آگاهگری و روشنگری و مقابله سازمانیافته با راسیسم و عروج فاشیسم است. باید کوشید روایت های دروغین و تحریک آمیز حاکم را افشاء و طرد نمود. در شرایط خطیری قرار داریم. هر یک از این رویدادها، کوچک و بزرگ، هشدار می است نسبت به یک آینده تاریک و سیاه؛ این زنگ خطر ها را باید جدی گرفت. تلاش برای ساختن یک سد محکم در برابر فاشیسم و ارتجاع راست که از هر سو به جامعه حمله می کند، باید به یک اولویت نیروهای چپ و کمونیست و جریانات پیشرو و آزادیخواه بدل شود. دفاع فعال از حقوق انسانی پناهندگان باید به یک امر مهم مبارزاتی بدل شود. دنیای غرب اکنون مانند برده به پناهندگان برخورد می کند. این دون شان انسانیت است. فاشیسم روی این امر سرمایه گذاری می کند. باید عقبش نشانند.

**تریبون را تکثیر کنید. تماس با ما:**

**[tribune890@gmail.com](mailto:tribune890@gmail.com)**



## جفری ساکس در پارلمان اتحادیه اروپا

(ترجمه از سوسن لاری)

فاکت های تاریخی برای درک رویدادهای جاری حائز اهمیت بسیار اند. برای درک چرایی شکل گیری جنگ اوکراین و تداوم آن باید تاریخ بویژه نیم قرن گذشته را بازبینی کرد. چگونگی سقوط شوروی، معاملات و موافقت ها، قراردادهای امضاء شده و فسخ شده میان شوروی و آمریکا و غرب را باید مطالعه کرد. تراژدی امروز اوکراین در تاریخ نیم قرن اخیر ریشه دارد.

از اینرو تصمیم گرفتیم نظرات مفسرین، محققین، اقتصاددانان و سیاستمدارانی که از نزدیک در جریان رویدادها بوده اند و نظراتشان در رسانه های بستر اصلی سانسور می شود را ترجمه و در دسترس خوانندگان قرار دهیم. تریبون

## ناتو، روسیه، آمریکا و اروپا

### سخنرانی جفری ساکس در پارلمان اتحادیه اروپا

(۲۲ فوریه ۲۰۲۵)

جفری ساکس اقتصاددان آمریکایی پروفیسور دانشگاه کلمبیا است. سابقا رئیس «انستیتوی زمین» بود. در زمینه پروژه های سازمان ملل درباره اهداف توسعه پایدار در کشورهای آفریقا کار کرده است. ساکس به چندین کشور از جمله کشورهای بلوک شرق سابق در زمینه سیاست اقتصادی مشاوره داده است.

ایالات متحده در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱ تصمیم گرفت که هفت جنگ در پنج سال راه بیاندازد. می توانید آنلاین به صحبت های ژنرال وزلی کلارک در این مورد گوش کنید. او در سال ۱۹۹۹ فرمانده عالی ناتو بود و در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱ به پنتاگون رفت. سند طرح هفت جنگ را به او تحویل دادند. اینها جنگ های نتانیاهاو بود.

گسترش ناتو در سال ۱۹۹۹ به مجارستان، لهستان و جمهوری چک آغاز شد و روسیه به شدت از آن ناراضی بود، اما این کشورها که از مرز روسیه فاصله داشتند. روسیه اعتراض کرد اما البته فایده ای نداشت. سپس جورج بوش پسر روی کار آمد. زمانی که اتفاق ۱۱ سپتامبر روی داد، پوتین حمایت خود را اعلام کرد. سپس

ایده این طرح بخشا پاکسازی متحدان قدیمی شوروی و بخشا نابودی حامیان حماس و حزب الله بود. ایده نتانیاهو این بود که فقط یک کشور وجود داشته باشد، فقط یک دولت، و آن هم اسرائیل. (از قول اسرائیل) «ما کل قلمرو را کنترل خواهیم کرد و هر کسی که مخالفت کند را سرنگون می کنیم. البته نه ما بلکه دوستان آمریکا!» این سیاست آمریکا تا امروز صبح بود. نمی دانیم تغییر خواهد کرد یا خیر. اکنون تنها مسئله این است که شاید آمریکا به جای اینکه اسرائیل مالک غزه شود، غزه را در اختیار خود بگیرد. این ایده حداقل ۲۵ سال عمر دارد. این در واقع به سندی به نام **Clean Break**\* برمی گردد که نتانیاهو و تیم سیاسی آمریکایی اش در سال ۱۹۹۶ برای پایان دادن به ایده راه حل دو کشور تهیه کردند. این سند آنلاین موجود است.

بنابراین اینها همه پروژه های بلند مدت هستند. آیا کلینتون است؟ بوش است؟ اوباما است؟ این شیوه برخورد درست نیست که سیاست آمریکا را بازی روز به روز می بیند. سیاست آمریکا اینطور نیست. همانطور که می دانید ویکتور یانوکوویچ در سال ۲۰۱۰ بی طرف بود و بر همین اساس انتخاب شد. روسیه به هیچ وجه قصد کشور گشایی در اوکراین نداشت. اینرا می دانم چون در این سال ها آنجا بودم. روسیه فقط در حال مذاکره برای اجاره پایگاه دریایی ساواستوپل به مدت ۲۵ سال تا سال ۲۰۴۲ بود. همین. نه طرحی برای کریمه داشت و نه برای دنباس.

این ایده که پوتین در حال بازسازی امپراتوری روسیه است، یک تبلیغات بچهگانه است. ببخشید، اگر کسی تاریخ را به شکل روز به روز و سال به سال ببیند، این

روش بچهگانه است. به نظر می رسد کارهای بچهگانه بهتر از کارهای بزرگسالان نتیجه می دهد. (با این شیوه تحلیل تاریخ) آمریکا بدون هیچ طرحی تصمیم گرفت که این مرد (یانوکوویچ) را باید سرنگون کند. به این نوع عملیات، رژیم چنج می گویند. حدود ۱۰۰ نمونه رژیم چنج های اینچینی توسط آمریکا صورت گرفته است، بسیاری در کشورهای شما و در تمام دنیا. این کاری است که سازمان «سیا» برای امرار معاش انجام می دهد.

این یک سیاست خارجی غیر متعارف است. در آمریکا اگر طرف مقابل را دوست ندارید، با آنها مذاکره نمی کنید. شما سعی می کنید آنها را سرنگون کنید، ترجیحاً پنهانی. اگر مخفیانه نمی شود، آشکارا انجام می دهید. همیشه می گویند تقصیر ما نیست، آنها متجاوز هستند، آنها طرف مقابل هستند، آنها هیتلر هستند، (که هر دو یا سه سال یکبار مطرح می شود!) صدام حسین، اسد و پوتین. این خیلی راحت است. این تنها توضیحی است که در مورد سیاست خارجی آمریکا به مردم آمریکا در هر جایی داده می شود. خوب ما با مونیخ ۱۹۳۸ روبرو هستیم. نمی توان با طرف مقابل صحبت کرد. آنها دشمنان شرور و سرسختی هستند. این تنها مدل سیاست خارجی است که رسانه های جمعی ما از آن حرف میزنند و مدام تکرار می کنند. زیرا رسانه های جمعی کاملاً تسلیم آمریکا هستند.

به اوکراینی ها التماس کردم. سابقه کار با اوکراینی ها داشتم. من به آنها توصیه کردم. (به آنها گفتم) ضد اوکراین نیستم، من کاملاً طرفدار اوکراین هستم. گفتم جانتان را نجات دهید، حاکمیت تان را حفظ کنید، سرزمین تان را نجات دهید، بی طرف باشید. به حرف آمریکا گوش ندهید. ضرب المثل معروف «هنری کیسینجر» را برای آنها

تکرار کردم که می گوید «دشمن ایالات متحده بودن خطرناک است، اما دوست بودن با آن کشنده است.» بنابراین اجازه دهید تکرار کنم که برای اروپا، دشمنی با آمریکا خطرناک است، اما دوست بودن با آن کشنده است. ترامپ نمی خواهد کنار بازنده بایستد. به همین دلیل است که به احتمال زیاد این جنگ پایان خواهد یافت زیرا ترامپ و پوتین برای پایان دادن به جنگ توافق کرده اند. مهم نیست اروپا چقدر جنگ افروزی کند، جنگ دارد تمام میشود. اینرا از فکرتان خارج کنید. لطفاً به همکارانتان بگویید که تمام شد. و تمام شده است زیرا ترامپ نمی خواهد جور بازنده را بکشد. همین. این ربطی به اخلاقیات ندارد.

مذاکراتی که در حال حاضر در جریان است اول اوکراین و بعد اروپا را نجات خواهد داد. بازار سهام شما در روزهای اخیر با اخبار «وحشتناک» مذاکرات افزایش یافته است. در جریان هستم که خبر در این پارلمان وحشت ایجاد کرده است اما این بهترین خبر است. من رهبران اروپایی را تشویق کردم، ولی به من گوش نمی دهند. سعی کردم با برخی از رهبران اروپایی تماس بگیرم، آنها گفت به کیف بروید، بروید مسکو. اما اکثر آنها اصلاً نمی خواهند از من چیزی بشنوند. شما اروپا هستید، شما ۴۵۰ میلیون نفر هستید، شما اقتصاد ۲۰ تریلیون دلاری دارید، باید شریک اصلی تجاری اقتصادی روسیه باشید.

راستی، اگر کسی بخواهد درباره چگونگی انفجار نورد استریم (Nord Stream) توسط آمریکا بحث کند، خوشحال می شوم در مورد آن صحبت کنم!

آمریکا ۳۰ سال پیش سیاست خارجی در خاور میانه را به طور کامل به نتانیاهو واگذار کرد. لابی اسرائیل بر سیاست آمریکا تسلط دارد. در این مورد شک نکنید. می توانم ساعت ها توضیح بدهم که چگونه کار می کند. خیلی خطرناک است و من امیدوارم که ترامپ دولت خود و بدتر از آن مردم فلسطین را به خاطر نتانیاهو که بنظر من یک جنایتکار جنگی است و به درستی توسط دیوان کیفری بین المللی متهم شده است، نابود نکند. این دیگر نیازی به گفتن ندارد. تشکیل کشور فلسطین در مرزهای چهارم ژوئن ۱۹۴۷ طبق قوانین بین المللی تنها راه صلح است. تنها راه اروپا برای برقراری صلح در مرزهایش با خاورمیانه راه حل ایجاد دو کشور است.

اتفاقاً تنها یک مانع برای آن وجود دارد و آن وتوی آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل است. بنابراین، اگر می خواهید کمی نفوذ داشته باشید، به آمریکا بگویید و تو را کنار بگذارد. شما در کنار ۱۸۰ کشور جهان هستید. تنها کسانی که با یک کشور مستقل فلسطین مخالف هستند، آمریکا، اسرائیل، میکرونزی، نائورو، پالائو، پاپوآ گینه نو، و پاراگوئه است.

اروپا در این زمینه می تواند تاثیر زیادی داشته باشد. اروپا در مورد «برنامه جامع اقدام مشترک»\* در رابطه با ایران سکوت کرده است. بزرگترین آرزوی نتانیاهو در زندگی، جنگ میان آمریکا و ایران است. او تسلیم نشده و این جنگ ممکن است اتفاق بیفتد به این خاطر که آمریکا در این زمینه سیاست خارجی مستقل ندارد. توسط اسرائیل اداره می شود. این غم انگیز است. اتفاقاً شگفت آور است و می تواند پایان یابد. ترامپ ممکن است بگوید که خواهان بازگشت سیاست خارجی است. امیدوارم که اینطور باشد.



در آخر اجازه دهید فقط در مورد چین بگویم. چین دشمن نیست. چین فقط یک داستان موفقیت است. به همین دلیل است که آمریکا به آن به عنوان یک دشمن نگاه می کند زیرا چین اقتصاد بزرگتری از آمریکا دارد. روسیه قصد حمله به اروپا را ندارد. این نکته اساسی است. قرار نیست به اروپا حمله کند. اما مسائلی وجود دارد. مسئله اصلی روسیه، آمریکا است. روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ و بزرگترین قدرت هسته ای جهان از ابتدا عمیقاً نگران دنیای تک قطبی آمریکایی بود. اکنون که این به ظاهر احتمالاً پایان یافته است، اروپا باید مذاکرات گذشته را مستقیماً با روسیه نیز آغاز کند. زیرا آمریکا به سرعت علاقه خود را از دست خواهد داد و شما تا هزاران سال آینده با روسیه زندگی خواهید کرد. متوجه هستید؟

پس چه باید کرد؟ شما باید مطمئن شوید که کشورهای بالتیک امن هستند. بهترین کار برای کشورهای بالتیک این است که جلوی روسوفوبیای خود را بگیرند. این مهمترین چیز است. حدود ۲۵ درصد شهروندان استونی روسی زبان و از نژاد روس هستند. لتوانی هم همینطور. همسایه را تحریک نکنید. گوش شنوا نیست! واقعا شنیده نمیشود و دوباره می خواهم دیدگاه خودم را توضیح دهم. من به این کشورها کمک کرده ام. من دشمن آنها نیستم. عروسک خیمه شب بازی پوتین نیستم. من پوتین را توجیح نمی کنم. در استونی کار کردم. استونی مدال دومین افتخار غیرنظامی که رئیس جمهور می تواند به یک غیر تبعه بدهد را به من اعطا کرد. چون من سیستم ارزی آنها را در سال ۱۹۹۲ طراحی کردم. نصیحت من به استونی: نگویید که می خواهید روسیه را تجزیه کنید! شوخی میکنید؟ بدین شکل دنیا از بین خواهد رفت. با

احترام متقابل در مذاکره و بحث می توان زنده ماند. وقتی زبان اول ۲۵ درصد از جمعیت شما روسی است، درست نیست که زبان روسی را غیر قانونی کنید. حتی اگر یک غول در مرزتان وجود نداشت، این کار درستی نبود. باید زبان روسی را بعنوان یک زبان رسمی برسمیت بشنازید و در مدارس تدریس کنید. با کلیسای ارتدکس روسیه مخالفت نمی کنید.

بنابراین اساساً ما باید مانند بزرگسالان رفتار کنیم و وقتی دائماً می گویم که آنها مانند بچه ها رفتار می کنند، سونیا همیشه به من می گوید که این نسبت به بچه ها بی انصافی است زیرا اینها از بچه ها بدتر هستند. ما یک نوه شش ساله و یک نوه سه ساله داریم و آنها در واقع با دوستان خود آشتی می کنند. و ما به آنها نمی گوئیم برو فردا و هر روز آنها را مسخره کن. می گوئیم برو بغلشان کن برو بازی کن. و آنها انجام می دهند. این سخت نیست. تنها چیزی که می گویم اینست که باید سیاستمان را تغییر دهیم. متشکرم.

\* برای اطلاعات بیشتر به این صفحه رجوع کنید:

[https://en.wikipedia.org/wiki/A\\_Clean\\_Break:\\_A\\_New\\_Strategy\\_for\\_Securing\\_the\\_Realm](https://en.wikipedia.org/wiki/A_Clean_Break:_A_New_Strategy_for_Securing_the_Realm)

\* \* JCPOA «برنامه جامع اقدام مشترک» قراردادی است بین ایران و ۵ کشور عضو دائمی سازمان ملل (چین، فرانسه، روسیه، آمریکا و بریتانیا) که در سال ۲۰۱۵ به امضا رسید. طبق این قرارداد ایران نباید از انرژی اتمی برای تولید سلاح اتمی استفاده کند.

# آیا ناتو موضوعیت دارد؟

مصاحبه جورج گالوی با کریس هجز

۲۶ فوریه ۲۰۲۵

(ترجمه از سوسن لاری)



کریس هجز خبرنگار و دارای کانال برنامه های خبری آمریکایی است. دو دهه به عنوان گزارشگر در آمریکای مرکزی، خاورمیانه، آفریقا و بالکان کار کرده است. در سال ۲۰۰۲ جایزه پولیتزر در خبرنگاری دریافت کرد. در سال ۲۰۰۵ در سخنرانی خود در کالج راکفورد، حمله آمریکا به عراق را محکوم کرد. بدنبال آن روزنامه تایمز او را توبیخ کرد. کریس هجز استعفا داد. مدتی برای تلویزیون «آر تی آمریکا» رسانه تحت حمایت روسیه کار کرد. در ۲۰۱۶ در تحصن مقابل ساختمان کاپیتول در واشنگتن دستگیر شد. اکنون دارای ستون خبری و یادگست خود است.

معماران امپراطوری آمریکا رویای آنرا در سر داشتند و پول. میلیاردها دلار تسلیحات بفروش رفت برای سازگار کردن کشورهای سابق پیمان ورشو با تجهیزات نظامی ناتو. همه می گویند، ناتو یک سازمان دفاعی است، پاسخ من به آنها این است که به عراق بروید و از یک عراقی یا یک افغانستانی بپرسید که آیا ناتو یک سازمان دفاعی است؟

همزمان مشغول تبدیل اوکراین به پایگاه دفاکتوی ناتو بودند، چه از نظر دادن مشاورت، فروش تسلیحات و هر چیز دیگری. این کاملا قابل پیش بینی بود. روسیه تحریک شد، من از کاری که روسیه انجام داد دفاع نمی کنم، اما روسیه تحریک شد. ما «ویکی لیکس» را داشتیم، ویلیام برنز که بعدها مدیر سازمان سیا شد، آنموقع سفیر روسیه بود و گفت که از نظر سیاسی ادغام اوکراین در

من تحولات فروپاشی آلمان شرقی، چکسلواکی و رومانی را گزارش کرده ام. در سال ۱۹۸۹ آنجا بودم. ما خیلی ساده لوحانه فکر می کردیم که ناتو دیگر موضوعیت ندارد. غرب در سال ۱۹۴۹ ناتو را بعنوان سنگری در برابر شوروی که آنرا بالقوه متجاوز مینامید تشکیل داد. من در آن اتاق حضور داشتم که هانس دیتیریش گنشر، وزیر امور خارجه وقت آلمان و جیمز بیکر وزیر امور خارجه وقت آمریکا اعلام کردند که ناتو فراتر از مرزهای آلمان متحد گسترش نخواهد یافت.

باز هم این چیزی است که شما قطعا اطلاع دارید که آنها برای اتحاد آلمان، باید شوروی، میخائیل گورباچف را متقاعد می کردند. وعده دادند و سپس نقض کردند. حرکت به سمت مرزهای شوروی از دو چیز نشأت گرفت: جسارت برای (ساختن) دنیای تک قطبی آمریکایی که

البته فروش تسلیحات بود. زیرا با سقوط افغانستان سهام شرکتهای های اسلحه سازی پایین آمد و دوباره با ارسال تجهیزات به اوکراین بالا رفت. این (پروژه) هیچوقت نمی توانست موفق شود. حتی هنری کیسینجر در آغاز جنگ گفت که اوکراین باید زمین را با صلح معامله کند. این همان چیزی است که الان قرار است صورت گیرد. ولی بخش بزرگی از اوکراین نابود شده و ده ها هزار اوکراینی کشته یا برای همیشه معلول شده اند!

ناتوغیرقابل قبول است. ما نمی توانیم آسیب های تاریخی ای که روسیه و مردم روسیه متحمل شده اند را فراموش کنیم. آنها سه بار در قرن ۱۸ توسط ناپلئون و سپس در جنگ جهانی اول و دوم از طریق اوکراین مورد تهاجم قرار گرفته اند. بنابراین، بله، تمام جهان دیوانه بود. روسیه شکست پذیر نبود. این یک جنگ کلاسیک نیابتی بود. هدف تحقیر ارتش روسیه به هزینه اوکراین و اوکراینی ها بود. هدف انزوای ولادیمیر پوتین در اروپا و

## مد در خدمت رژیم چنچ!



## مد در خدمت سیاست!

